پویایی‌شناسی تقاضا در بازار خدمات در مواجهه با جنگ‌های نظامی مقطعی؛

ارائه دلالت‌های سیاستی برای افزایش تاب‌آوری



رضا احمدی
پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

توضیح اجمالی

بحران‌های حاد و کوتاه‌مدت، مانند درگیری‌های نظامی، به‌عنوان شوک‌های خارجی عمل کرده و می‌توانند تعادل بازارهای داخلی را به شدت مختل کنند. با این حال، دوره پس از بحران نیز فرصتی منحصر به فرد برای مطالعه تاب‌آوری اقتصادی و پویایی‌های رفتاری مصرف‌کنندگان فراهم می‌آورد. تحلیل داده‌های استخراج‌شده از یک پلتفرم خدمات آنلاین (آچاره) در دوره پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی ، الگوهای معناداری از تغییر در دینامیک بازرگانی داخلی، به‌ویژه در بخش خدمات، را آشکار می‌سازد. این داده‌ها نشان‌دهنده یک «شوک تقاضای مثبت پسابحران» در بخش خدمات هستند که می‌توانند در سه محور اصلی در حوزه بازرگانی داخلی تحلیل شود:

الف) بازار خدمات لجستیک و جابه‌جایی:

از منظر کلان، جهش چشمگیر تقاضا برای خدمات اسباب‌کشی برون‌شهری (رشد ۶۴۵ درصدی) و خدمات اسباب‌کشی شرکت‌ها و سازمان‌ها (رشد ۶۰۰ درصدی)، فراتر از یک پدیده اجتماعی، به مثابه یک شاخص پیشرو در تحلیل‌های بازرگانی داخلی و اقتصاد کلان قابل ارزیابی است. این افزایش حاد، نمایانگر فعال‌سازی سریع زنجیره‌های تأمین وابسته و صنایع پشتیبان، از جمله شرکت‌های حمل‌ونقل، خدمات بسته‌بندی تخصصی و تأمین نیروی کار موقت است.

از منظر اقتصاد خرد، این پدیده به معنای بازآرایی شتابان سرمایه‌های فیزیکی (اثاثیه و تجهیزات) و انسانی در مقیاس جغرافیای شهری و بین‌شهری است. چنین فرآیندی، منجر به بروز عدم توازن‌های منطقه‌ای می‌گردد؛ بازارهای مبدأ با رکود ناشی از خروج سرمایه و تقاضا مواجه شده و بازارهای مقصد، یک شوک تقاضای ناگهانی را تجربه می‌کنند که زنجیره‌های تأمین محلی را به شدت تحت فشار قرار داده و نیازمند تطبیق‌پذیری سریع می‌نماید.

در این میان، افزایش تقاضا برای حمل اقلام استراتژیک نظیر گاوصندوق (رشد ۴۹۶ درصدی)، مؤید تمرکز خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی بر صیانت از دارایی‌های حیاتی و تلاش برای تضمین تداوم کسب‌وکار در شرایط جدید است.

ب) بازار خدمات تعمیر، نگهداری و بازسازی:

جهش چشمگیر تقاضا برای خدماتی چون تعویض شیشه خودرو (رشد ۳۵۷ درصدی)؛ خدمات مختلف مرتبط با بخش نما و تجهیزات خارجی ساختمان، نظیر خدمات تعمیرات

نما و نماشویی (رشد ۵۶۰ درصدی)، خدمات ساخت و نصب درب و پنجره آلومینیومی (رشد ۴۲۲ درصدی)، خدمات ساخت و نصب توری (رشد ۵۵۱ درصدی) و ساخت و تعمیر تابلوهای روان و چلنیوم (سردر مغازه‌ها) (رشد ۵۳۷ درصدی)؛ و خدمات نوسازی فضاهای داخلی، نظیر تعمیرات مبلمان (رشد ۳۵۰ درصدی)، نصب کاغذ دیواری (رشد ۳۷۷ درصدی) و ساخت کابینت و کمد دیواری (رشد ۳۵۰ درصدی)، بیانگر آغاز فرآیند احیای سرمایه ثابت در مقیاس شهری است. این خدمات، که پیش‌نیازهای زیرساختی برای ازسرگیری فعالیت‌های عادی تجاری و بازگشایی واحدهای صنفی و اداری محسوب می‌شوند، محرکی قدرتمند برای اقتصاد خرد به شمار می‌روند.

ماهیت این تقاضای متمرکز، دوگانه است: بخشی از آن ناشی از ضرورت ترمیم خسارات فیزیکی مستقیم ناشی از بحران است و بخش دیگر، حاصل آزادسازی تقاضای انباشته است که در طول دوره بحران به تعویق افتاده بود.

از منظر نظام بازرگانی داخلی، این افزایش تقاضا محرکی مستقیم برای زنجیره تأمین مرتبط محسوب شده و به فعال‌سازی بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی مصالح ساختمانی سبک، تجهیزات دکوراسیون و قطعات یدکی منجر می‌شود. این امر به نوبه خود، تقاضا را به سمت بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در این حوزه‌ها سوق داده و به‌عنوان یک موتور محرک برای گردش مالی در سطح محلی عمل می‌کند. در نتیجه، بخش «خدمات نگهداری و بهسازی دارایی‌های ثابت» که در شرایط عادی بازاری با رشد پایدار اما کند دارد، در دوره‌های پسابحران به یکی از پیشران‌های اصلی بهبود اقتصادی در اقتصاد شهری بدل می‌شود.

ج) بازار خدمات شخصی و اجتماعی:

افزایش چشمگیر تقاضا برای خدمات اختیاری، به‌ویژه در بخش‌های زیبایی، تشریفات و پذیرایی که با رشدهای ۴۰۰ تا ۹۰۰ درصدی همراه بوده، یک شاخص کلیدی دیگر برای سنجش بازگشت اعتماد مصرف‌کننده و احیای ثبات روانی-اقتصادی در جامعه است. این دسته از خدمات، به دلیل ماهیت غیرضروری خود، دارای کشش تقاضای بسیار بالایی نسبت به درآمد قابل تصرف و به‌ویژه نسبت به متغیر «امنیت و ثبات ادراک‌شده» هستند. از منظر اقتصادی، این پدیده دو کارکرد اساسی دارد:

- **کارکرد سیگنال‌دهی:** افت شدید تقاضا برای این خدمات در دوران بحران و جهش سریع آن در دوره بازگشت، نشان‌دهنده تاب‌آوری اجتماعی و تمایل به ازسرگیری الگوهای مصرف پیش از بحران است. این امر به مثابه یک سیگنال مثبت برای سایر فعالان اقتصادی عمل می‌کند.
- **اثر تکاثری:** فعال‌سازی مجدد این بخش، که عمدتاً متشکل از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است، موجب تحریک زنجیره‌های تأمین بالادستی (مانند تأمین مواد اولیه برای رستوران‌ها و سالن‌های زیبایی) و تزریق مستقیم نقدینگی به سطح جامعه می‌شود. این فرآیند به احیای بافت تجاری-خدماتی شهرها و تسریع روند بهبود اقتصادی کمک شایانی می‌کند.

در مجموع، تحلیل داده‌ها مؤید آن است که تحلیل نوسانات در بازار خدمات تجربه‌محور ابزاری دقیق برای ارزیابی رفتار مصرف‌کننده و پیش‌بینی روندهای آتی اقتصاد کلان فراهم می‌آورد. در این میان، پلتفرم‌های دیجیتال به مثابه سازوکاری کلیدی در تسریع فرآیند بازگشت به تعادل بازار عمل می‌کنند. این پلتفرم‌ها از طریق کاهش اصطکاک‌های جستجو، امکان تطبیق سریع میان تقاضای متراکم و عرضه‌کنندگان خدمات را فراهم آورده و به این ترتیب، به احیای شتابان فعالیت‌های اقتصادی در بخش خدمات داخلی منجر می‌شوند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که در پی وقوع یک شوک برون‌زای کوتاه‌مدت، بازار خدمات داخلی الگوی بازیابی V-شکل را به نمایش می‌گذارد. مشخصه بارز این الگو، جهش سریع تقاضا است که نه‌تنها سطح پیش از بحران را ترمیم می‌کند، بلکه در کوتاه‌مدت از آن فراتر نیز می‌رود.

نکات کلیدی

با عنایت به تحلیل فوق، سیاست‌گذار در حوزه بازرگانی داخلی می‌تواند جهت مدیریت بهینه بازار در شرایط مشابه و تسریع فرآیند بازگشت به ثبات اقتصادی، اقدامات زیر را مدنظر قرار دهد:

۱. **بهره‌گیری از «تحلیل داده‌های کلان» برای سیاست‌گذاری پیشگیرانه**

با هدف حرکت از سیاست‌گذاری واکنشی به سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و داده‌محور در حوزه بازرگانی داخلی، می‌توان یک چارچوب همکاری میان نهادهای دولتی (مانند وزارت

صنعت، معدن و تجارت) و پلتفرم‌های بزرگ بخش خصوصی برای به اشتراک‌گذاری داده‌های تجمیعی و ناشناس ایجاد نمود. این سامانه (داشبورد) وظیفه تجمیع و تحلیل داده‌ها را بر عهده داشته و با بهره‌گیری از مدل‌های آماری، نوسانات غیرعادی و الگوهای قیمتی مشکوک را به‌صورت آنی شناسایی می‌کند. خروجی این سامانه، مبنای تصمیم‌گیری برای سازوکارهای نظارتی خواهد بود. تحلیل این داده‌ها می‌تواند به پیش‌بینی دقیق‌تر روندهای تقاضا در بحران‌های آتی و تدوین سیاست‌های پیشگیرانه کمک کند.

۲. **افزایش همکاری نهادهای نظارتی و اتحادیه‌های صنفی ذی‌ربط به‌منظور پایش قیمت و کیفیت ارائه خدمات**

در شرایط جهش تقاضا، ریسک افزایش نامتعارف قیمت‌ها و کاهش کیفیت ارائه خدمات وجود دارد. بر این اساس، با هدف حفاظت از حقوق مصرف‌کننده و حفظ اعتماد به بازار بدون مداخله مستقیم و مخرب در مکانیسم عرضه و تقاضا، پیشنهاد می‌گردد نهادهای نظارتی و اتحادیه‌های صنفی ذی‌ربط (نظیر اتحادیه حمل بار، تزئینات داخلی ساختمان و تالارهای پذیرایی و تجهیز مجالس) نسبت به بررسی میدانی و رسیدگی به تخلفات شناسایی‌شده اقدام نمایند.

۳. **اتخاذ سیاست‌های اعتباری خرد به منظور مدیریت شوک‌های عرضه و کنترل تورم بخشی**

به منظور پیشگیری از اختلالات عملکردی در سمت عرضه و مهار فشارهای تورمی ناشی از شکاف منفی میان تقاضای فزاینده و ظرفیت محدود عرضه، می‌توان از ابزارهای سیاست‌گذاری اعتباری هدفمند بهره جست. در این راستا، پیشنهاد می‌شود تسهیلات اعتباری خرد و کوتاه‌مدت با نرخ بهره ترجیحی برای بنگاه‌های خرد و کوچک، به‌ویژه در بخش خدمات (نظیر شرکت‌های حمل‌ونقل، واحدهای تعمیراتی و مراکز پشتیبانی فنی)، تعریف و تخصیص یابد. این بنگاه‌ها در مواجهه با جهش‌های ناگهانی تقاضا، عموماً برای تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز جهت تهیه نهاده‌های تولید-شامل مواد اولیه، تجهیزات و نیروی کار-با بحران نقدینگی مواجه می‌شوند. تزریق هدفمند منابع مالی، ظرفیت پاسخگویی این واحدها را به صورت آنی افزایش داده و از شکل‌گیری گلوگاه‌های خدماتی و افزایش شدید سطح قیمت‌ها جلوگیری می‌کند. این مداخله سیاستی نه‌تنها مانع از ورشکستگی بنگاه‌های کارآمد به دلیل کمبود نقدینگی می‌شود، بلکه فرصتی برای رشد و افزایش مقیاس فعالیت آن‌ها در شرایط جدید بازار فراهم می‌آورد و به تاب‌آوری اقتصادی بخش خدمات کمک شایانی می‌نماید.

۴. **تسهیل و حمایت از زنجیره تأمین بخش خدمات**

به منظور رفع گلوگاه‌های لجستیکی و بهبود فرآیند ارائه خدمات پرتقاضا، که عمدتاً با چالش‌هایی نظیر کمبود ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل و محدودیت در تأمین قطعات یدکی مواجه است، اتخاذ تدابیر اجرایی زیر پیشنهاد می‌گردد:

- **تخصیص سهمیه سوخت اضطراری:** اختصاص سوخت به شرکت‌های خدماتی و حمل‌ونقل جهت تضمین پایداری عملیات آن‌ها
- **تسهیل واردات تجهیزات:** ایجاد معافیت‌های گمرکی کوتاه‌مدت برای تسریع در ورود ابزارآلات و قطعات مورد نیاز جهت تعمیرات و نوسازی ناوگان
- **بهبود تردد شهری (در شرایط اضطراری):** ارائه مجوزها و تسهیلات ترافیکی ویژه برای ناوگان خدماتی به منظور کاهش زمان تأخیر در ارائه خدمات اضطراری در سطح شهر